

## بررسی تورم در اقتصاد ایران

محمد مانی طاوولی

دانشجوی کارشناسی رشته مدیریت مالی، گروه مدیریت، دانشگاه غیر انتفاعی علم و فرهنگ، تهران، ایران

ادرس پست الکترونیک: [mani.tavoli2004@gmail.com](mailto:mani.tavoli2004@gmail.com)

محمد امین میرگلوی بیات

دانشجوی کارشناسی رشته مدیریت مالی، گروه مدیریت، دانشگاه غیر انتفاعی علم و فرهنگ، تهران، ایران

ادرس پست الکترونیک: [Mohammadbyt2005@gmail.com](mailto:Mohammadbyt2005@gmail.com)

ابوالفضل پیرهادی

دانشجوی کارشناسی رشته مدیریت مالی، گروه مدیریت، دانشگاه غیر انتفاعی علم و فرهنگ، تهران، ایران

ادرس پست الکترونیک: [pirhadiabolfazl11@gmail.com](mailto:pirhadiabolfazl11@gmail.com)

چکیده

تورم بالا و نوسانی، مشکل اصلی اقتصاد ایران در سال های اخیر بوده و کارشناسان نظرات گوناگونی درباره ریشه ها و راه حل های آن دارند. نرخ های بالای تورم با ایجاد نااطمینانی اقتصادی، مانع انباشت سرمایه و رشد پایدار می شوند و در سطح اجتماعی نیز باعث تعمیق نابرابری درآمدی و گسترش شکاف طبقاتی می گردند. این مقاله چارچوب یکپارچه ای از علل تورم در کشور ارائه می دهد و راهکارهای عملی مقابله با آن را بر این اساس شرح می کند. عوامل کلیدی تورم شامل رشد بی رویه نقدینگی، اقتصاد سایه و نوسانات ارزی است، تبعات آن کاهش تولید، نابرابری درآمد و نااطمینانی سرمایه گذاری را در بر دارد، و راه حل ها حذف نرخ های دستوری، شناور ارزی مدیریت شده و استقلال بانک مرکزی را پیشنهاد می نماید. مهار پایدار نیازمند کنترل نقدینگی، حکمرانی بهتر و اعتمادسازی عمومی است. (مرتضی عبداللهی و همکاران، ۱۴۰۳)

واژگان کلیدی: تورم، نقدینگی، نرخ ارز، اقتصاد سایه، سیاست پولی، کسری بودجه

#### مقدمه

تورم پدیده‌ای است که در آن سطح عمومی قیمت‌های کالاها و خدمات به طور پیوسته و گسترده افزایش یافته و در مقابل، ارزش واقعی پول ملی سقوط می‌کند. این روند، قدرت خرید را به شدت کاهش داده و باعث می‌شود با مقدار ثابتی از پول، کالا و خدمات کمتری قابل تهیه باشد. در واقع، تورم نه یک نوسان موقتی، بلکه یک بیماری ساختاری است که از افزایش بیش از حد حجم پول نسبت به تولید کالا و خدمات ناشی می‌شود. این پدیده یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بیانگر ثبات یا بی‌ثباتی اقتصادی به‌شمار می‌آید و آثار گسترده‌ای بر بخش‌های تولید، رفاه خانوار و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی برجای می‌گذارد. بروز تورم معمولاً با نوسانات شدید و نامتقارن در متغیرهای کلان همراه است و موجب شکل‌گیری فضای نااطمینانی و کاهش پیش‌بینی‌پذیری در اقتصاد می‌شود. (پروین مرادی افشار و همکاران ۱۴۰۴)

در اقتصاد ایران، تورم در طول چهار دهه‌ی گذشته به پدیده‌ای پایدار و ساختاری تبدیل شده است. تداوم این وضعیت ضمن کاهش قدرت خرید خانوارها، موجب تضعیف انگیزه‌های تولیدی، افزایش هزینه‌های بنگاه‌ها و فرسایش رقابت‌پذیری در سطح ملی شده است (پروین مرادی افشار و همکاران ۱۴۰۴)

نرخ تورم در سال ۱۴۰۴ حدود ۴۱ درصد گزارش شده است (بانک مرکزی). تجربه نشان داده که کنترل موقت نرخ ارز ممکن است برای مدتی کوتاه انتظارات تورمی را مهار کند، اما فشار ارزی انباشته شده معمولاً پس از چند سال رها شده و تورم را با شتابی ویرانگر فوران می‌دهد. شواهد تطبیقی نشان می‌دهد که رشد بالای نقدینگی در اقتصاد ایران نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر، منجر به میانگین تورم بالاتر و بی‌ثباتی بیشتر در بازارهای مختلف شده است.

پژوهش حاضر با هدف تبیین نظام مند و علمی عوامل مؤثر بر بروز تورم در اقتصاد ایران و ارائه راهکارهای کارآمد برای مهار پایدار آن انجام گرفته است. در گام نخست، تلاش شده است با بهره گیری از داده های آماری، شواهد تجربی و مبانی نظری اقتصاد کلان، ریشه های شکل گیری تورم شناسایی و تبیین شوند.

در بخش دوم نیز به بررسی و تحلیل تبعات منفی و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و تولیدی تورم پرداخته شده است.

در بخش سوم، بر پایه ی یافته های مراحل نخست، مجموعه ای از سیاست ها و راهکارهای اجرایی برای کنترل و کاهش تورم پیشنهاد شده است. پس از مرور پیشینه ی پژوهش، ابتدا عوامل مؤثر بر تورم در ساختار اقتصاد ایران به تفکیک بازه های زمانی تحلیل می شوند و سپس راهبردهای مقابله با آن ارائه می گردد. (میثم خسروی و همکاران ۱۴۰۳،

با توجه به مشکلات ساختاری و چالش های مزمن اقتصاد ایران، مهار تورم همواره یکی از اساسی ترین اولویتهای سیاست گذاری اقتصادی بوده است. در سال های اخیر، استمرار رشد سطح عمومی قیمت ها و ناکارآمدی سیاست های کنترلی، ضرورت بازنگری در عوامل مؤثر بر پایداری تورم را دوچندان کرده است.

با توجه به تداوم نرخ های بالای تورم در اقتصاد ایران و ناکارآمدی سیاست های گذشته در کنترل آن، بررسی دقیق تر عوامل نهادی، اقتصادی و سیاسی شکل دهنده تورم ضرورتی انکارناپذیر است. شناخت میزان تأثیر متغیرهایی همچون نقدینگی، نرخ ارز و کارایی نهادهای حکمرانی می تواند در تدوین راهبردهای مؤثر برای مهار پایدار تورم نقش کلیدی ایفا کند. از این رو، انجام این پژوهش برای سیاست گذاران اقتصادی کشور ضروری است. (مرتضی عبداللهی و همکاران ۱۴۰۳،

در این پژوهش به دنبال این سوالات کلیدی هستیم

رشد بی رویه نقدینگی تا چه حد عامل اصلی تورم است؟

• اقتصاد سایه و نوسانات نرخ ارز چه سهمی در تورم دارند؟

• آیا راهکارهای پیشنهادی مانند شناور ارزی مدیریت شده و استقلال بانک مرکزی مؤثر خواهند بود؟

این مقاله با آمار تازه، جاهای خالی پژوهش های قبلی را پر می کند و راهکارهای عملی می دهد.

### پیشینه تحقیق

زبیری (۱۳۹۵) در مطالعه ای با عنوان «بررسی تأثیر شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد بر تورم اقتصاد ایران (رهیافت سری زمانی ساختاری)» با استفاده از داده های سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۱، رابطه میان شکاف نرخ ارز و نرخ تورم را مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که افزایش یک درصدی در شکاف میان نرخ ارز رسمی و بازار آزاد منجر به افزایش سه درصدی در نرخ تورم می شود. بر اساس تحلیل پژوهشگر، این نتیجه بیانگر وجود رابطه ای مستقیم میان نرخ ارز (به عنوان لنگر انتظارات تورمی) و تورم در کوتاه مدت است، و بدین ترتیب شواهد تجربی در تأیید این ارتباط فراهم می گردد.

امیدی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی ارتباط چندکی متغیر در زمان میان نرخ ارز، کسری حساب جاری، کسری بودجه دولت و تورم در اقتصاد ایران» با بهره گیری از مدل خودرگرسیون برداری و داده های ماهانه دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷، به بررسی روابط متقابل میان متغیرهای کلان اقتصادی ایران پرداختند. یافته های پژوهش نشان داد که میان نرخ ارز، تورم، کسری بودجه و کسری حساب جاری ارتباط معناداری وجود دارد، با این تفاوت که شدت و جهت این ارتباط در سطوح مختلف رشد متغیرها متفاوت است

همچنین، خمرزادگان و حیدری (۱۴۰۲) در مقاله ای با عنوان «اثرات نامتقارن نرخ ارز بر انتظارات تورمی در اقتصاد هدف گذاری تورمی ایران» با استفاده از الگوی خودرگرسیون با وقفه های توزیعی نامتقارن به بررسی نحوه اثرگذاری افزایش و کاهش نرخ ارز بر انتظارات تورمی پرداختند. یافته های این پژوهش نشان داد که افزایش نرخ ارز، انتظارات

تورمی را به طور چشمگیری تقویت می کند، در حالی که کاهش نرخ ارز تأثیر کمتری بر کاهش سطح انتظارات تورمی دارد؛ امری که بیانگر وجود اثرات نامتقارن نرخ ارز بر رفتار تورمی در اقتصاد ایران است.

سهیلی (۱۴۰۳) در مطالعه ای با عنوان «ارزیابی و پیش بینی تورم در ایران با استفاده از الگوریتم نوین جنگل تصادفی» از روش های یادگیری ماشین برای تحلیل روابط میان متغیرهای کلان اقتصادی و نرخ تورم بهره گرفته است. در این پژوهش، داده های مربوط به متغیرهای پایه پولی و شاخص های اقتصادی به کار گرفته شده و با استفاده از مدل جنگل تصادفی، میزان اثرگذاری هر یک از اجزای پایه پولی بر نوسانات تورم مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که برخی از اجزای پایه پولی نقش بیشتری در تغییرات تورمی دارند و به کارگیری الگوریتم های یادگیری ماشین می تواند درک عمیق تری از این روابط و پیش بینی دقیق تر تورم ارائه دهد.

پژوهش هایی از جمله زبیری (۱۳۹۵) امیدی و همکاران (۱۴۰۲) خمرزادگان (۱۴۰۲) و سهیلی

(۱۴۰۳) به بررسی رابطه میان نرخ ارز و تورم پرداخته اند، اما آثار تحریم های سال های ۱۴۰۳-۱۴۰۴، بدهی حدود ۸۰ هزار میلیارد تومانی سازمان تأمین اجتماعی و راهکارهای اجرایی مانند نظام ارزی شناور مدیریت شده کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مظهر و میون (۲۰۱۷) در مطالعه ای خود به بررسی تأثیر اقتصاد سایه بر اثربخشی سیاست های مالی پرداخته اند. یافته های آنان نشان می دهد که گسترش اقتصاد غیررسمی، پایه ی مالیاتی دولت را تضعیف کرده و توان تأمین مالی مخارج عمومی را کاهش می دهد. در نتیجه، دولت ها به استفاده از ابزارهای غیرمستقیم نظیر خلق پول و افزایش نرخ تورم برای جبران کسری بودجه روی می آورند. این روند، علاوه بر کاهش پایداری مالی، سبب افت کارایی اقتصادی و افزایش نابرابری در توزیع منابع می شود.

استوکر و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تورم و انتقال نرخ ارز» تأثیر ماهیت شوک های ناشی از نوسانات ارزی را بر میزان انتقال نرخ ارز به شاخص قیمت مصرف کننده مورد بررسی قرار داده اند. آنان با بهره گیری از روش برآورد مدل های خودرگرسیون برداری ساختاری تقویت شده برای نمونه ای متشکل از ۵۵ کشور، نشان دادند که شوک های مرتبط با سیاست پولی نسبت به سایر شوک های داخلی، اثر انتقال نرخ ارز بالاتری دارند. در مقابل، یافته ها حاکی از آن است که شوک های جهانی اثراتی ناهمگون و متفاوت در میان کشورهای مختلف بر جای می گذارند.

بررسی پژوهش ها نشان می دهد که تورم نتیجه تعامل عوامل مالی و پولی است. مظهر و میون (۲۰۱۷) بیان کردند که گسترش اقتصاد سایه با کاهش درآمدهای مالیاتی، دولت ها را به سمت تأمین مالی از طریق تورم سوق می دهد. همچنین استوکر و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند که شوک های سیاست پولی داخلی، نسبت به سایر عوامل، اثر بیشتری بر تورم دارند.

این مقاله با استفاده از داده های به روز، به دنبال ارائه نتایج کاربردی است.

### روش تحقیق

این پژوهش از نوع روش تحقیق مروری و کتابخانه ای است و با هدف بررسی پدیده تورم در اقتصاد ایران انجام شده است. جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای صورت گرفته و داده ها از منابع علمی و مقالات مرتبط گردآوری شده اند.

### عوامل تأثیرگذار بر تورم

#### ۱- رشد نقدینگی



عامل اصلی تورم در ایران، رشد بی رویه نقدینگی است. کسری بودجه دولت، اصلی ترین منبع این رشد است که به دو صورت تأمین می شود:

رویکرد مستقیم: دولت درآمدهای نفتی را به حساب بانک مرکزی واریز کرده و با افزایش پایه پولی، اجازه خلق نقدینگی بدون پشتوانه را صادر می کند.

شیوه غیرمستقیم: استقراض دولت از بانک ها یا معوق ماندن تعهدات به پیمانکاران، منجر به ناترازی بانک ها و در نهایت برداشت اضافی آن ها از بانک مرکزی می گردد. این چرخه، نقدینگی را به بنزینی روی آتش قیمت ها تبدیل می کند. (میشم خسروی و همکاران ۱۴۰۳)

## ۲\_ اقتصاد سایه

اقتصاد سایه، که به عنوان اقتصاد غیررسمی، غیرقانونی یا زیرزمینی شناخته می شود، فعالیت هایی را دربرمی گیرد که خارج از چارچوب قانونی مانند فرار از مالیات، بیمه، مقررات کار و استانداردهای ایمنی قرار دارند. در ایران، این بخش شامل قاچاق کالا، فعالیت های غیررسمی کارگری، پولشویی، معاملات زیرمیزی املاک و فعالیت های تولیدی بدون مجوز است. (پروین مرادی افشار و همکاران، ۱۴۰۴)

مکانیسم های اثرگذاری بر تورم

اقتصاد سایه: با افزایش نقدینگی، کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و اختلال در تخصیص منابع، تورم را تشدید می کند

فرار از مالیات: فعالیت های سایه ای درآمدهای مالیاتی دولت را به شدت کاهش می دهد و کسری بودجه را افزایش می دهد؛ در نتیجه فشار بر چاپ پول بیشتر می شود

افزایش نقدینگی خارج از کنترل: پول حاصل از فعالیت های غیرقانونی وارد سیستم بانکی شده و نقدینگی را بدون نظارت پولی افزایش می دهد.

اختلال در تخصیص منابع: منابع به جای بخش های مولد، به فعالیت های سفته بازی و غیرمولد هدایت می شود.

مطالعات متعدد نشان می دهد اندازه بزرگ اقتصاد سایه، اثر مثبت معناداری بر نرخ تورم دارد؛ زیرا هم کسری بودجه را تشدید می کند و هم انتظارات تورمی را بالا می برد. (پروین مرادی افشار و همکاران، ۱۴۰۴)

### ۳- نرخ ارز

به دلیل وابستگی شدید صنایع به واردات نهاده ها، افزایش نرخ ارز مستقیماً هزینه تولید را بالا برده و «تورم وارداتی» ایجاد می کند. شواهد دهه ۱۳۹۰ نشان داد که جهش دلار چگونه تورم را به مرز ۵۰ درصد رساند. اما واقعیت تلخ تر، پدیده "چسبندگی قیمت ها" است؛ قیمت ها با دلار بالا می روند اما در زمان کاهش نرخ ارز، به دلیل نااطمینانی از آینده، به راحتی پایین نمی آیند. این رفتار نامتقارن، لایه های جدیدی از تورم انتظاری را در جامعه رسوب می دهد. (میثم خسروی و همکاران ۱۴۰۳)

### ۴- رشد اقتصادی

رشد اقتصادی می تواند هم تورمزا و هم ضد تورمی عمل کند. از یک سو افزایش تولید و عرضه، فشارهای تورمی را کاهش می دهد؛ از سوی دیگر، رشد تقاضای کل بدون افزایش متناسب عرضه، تورم را تشدید می کند. در اقتصاد ایران، رشد اقتصادی اغلب با ناکارآمدی های ساختاری همراه است که به جای کاهش، تورم را افزایش می دهد. (خداوردیان و همکاران ۱۳۹۸)

### تبعات منفی تورم در اقتصاد



#### ۱- کاهش انگیزه تولید و فرسایش طبقه متوسط

تورم مانند مالیات بر مصرف عمل کرده و تقاضای کل را سرکوب می کند. اما فراتر از اقتصاد، تورم باعث فرسایش طبقه متوسط شده است. وقتی بخش بزرگی از درآمد صرف هزینه های اولیه (مسکن و خوراک) شود، بودجه آموزش و بهداشت حذف شده و فقر بین نسلی تشدید می گردد. تولیدکننده نیز در این فضا به جای ارتقای کیفیت، تمام انرژی خود را صرف مدیریت انبار می کند تا از تورم عقب نماند. (اعظم احمدیان، ۱۴۰۴)

#### ۲- تغییر توزیع درآمد به سود طبقات مرفه

تورم در ایران یک «رابین هود معکوس» است. دهک های پایین که فاقد دارایی های مقاوم (ملک و طلا) هستند، هزینه اصلی تورم را می دهند، در حالی که ثروتمندان از جهش قیمت دارایی های خود سود می برند. این نابرابری، شکاف طبقاتی را به مرحله ای هشداردهنده رسانده است ( خسروی و همکاران ۱۴۰۳ )

#### ۳- ایجاد عدم اطمینان و ابهام در سرمایه گذاری

نااطمینانی از قیمت های آینده، برنامه ریزی بلندمدت را ناممکن می کند. در این فضا، سرمایه گذاری در بخش های دانش بنیان جای خود را به سوداگری در بازارهای ارز و خودرو می دهد، چرا که ریسک تولید در فضای تورمی به شدت افزایش می یابد ( خسروی و همکاران، ۱۴۰۳ )

#### ۴- اخلال در تخصیص منابع از طریق تغییر قیمت های نسبی

تورم با ایجاد اختلال در قیمت های نسبی (به دلیل چسبندگی قیمت ها و دستمزدها)، تخصیص بهینه منابع را مختل می کند. این تغییر، که ناشی از عوامل حقیقی عرضه یا تقاضا نیست، تولید و مصرف را کاهش می دهد. برای مثال، زبان رفاهی آرژانتین از تورم ۵۰۰ درصدی سالانه

حدود ۵.۸ درصد GDP ، برآورد شده است . (الوارز و همکاران، ۲۰۱۹)

#### راهکارهای مهار تورم

حذف نرخ های دستوری: پایان دادن به ارز ترجیحی و چند نرخي که جز رانت و فساد، عایدی برای سفره مردم نداشته است (مرتضی عبداللهی و همکاران ۱۴۰۳)

مدیریت نوسانات و ابزارهای نوین: معرفی قراردادهای آتی و اختیار معامله برای پوشش ریسک فعالان

اقتصادی تا تقاضای احتیاطی برای ارز کاهش یابد ( پروین مرادی افشار و همکاران ۱۴۰۴)

ایجاد نظام پرداخت رسمی: افزایش کیفیت ارزهای دریافتی (به معنای کاهش هزینه مالی و زمانی انجام

تراکنش دستور پرداخت برای مصارف وارداتی)، افزایش ضریب بازگشت ارز حاصل از صادرات یا

پیمان سپاری ارزی و جلوگیری از خروج سرمایه، با ایجاد نظام پرداخت رسمی ممکن می شود. (خسروی و

همکاران، ۱۴۰۲)

بهبود حکمرانی ریال: مالیات بر سوداگری، تفکیک حساب های تجاری و شفافیت تراکنش ها برای

جلوگیری از ورود پول های سمی به بازارهای دارایی ( خسروی و همکاران، ۱۴۰۲)

استقلال بانک مرکزی: اعطای ذخایر به بانکها صرفاً بر اساس قواعد علمی (مانند عملیات بازار باز) و پایان دادن به نگاه «فلک گونه» دولت به بانک مرکزی. بانک مرکزی باید با کنترل رشد ترازنامه بانکها، واکنش متناسب به تراکنش های کلان دولتی نشان دهد تا از نوسانات نرخ سود بین بانکی و انحراف پایه پولی جلوگیری کند؛ ذخایر شبکه بانکی تنها از طریق عملیات بازار باز یا تسهیلات قاعده مند تأمین شود و در صورت دخالت ارزی، عملیات خنثی سازی برای حفظ هدف گذاری نقدینگی انجام گیرد ( خسروی و همکاران، ۱۴۰۲ )

اصلاح نظام بانکی و حذف بانک های ناسالم: ارزیابی کیفیت دارایی بانکها بر اساس نسبت کفایت سرمایه و ناترازی نقدینگی، تعطیلی بانک های شدیداً ناسالم، اجرای مواد ۲۷ تا ۲۹ قانون بانک مرکزی برای اقدامات اصلاحی، و افزایش سرمایه بانک های دولتی از محل سود بانک مرکزی ( اعظم احمدیان ۱۴۰۴ )

اصلاح ناترازی صندوق های بازنشستگی: اقدامات اصلاحی پارامتریک و غیر پارامتریک برای حل ناترازی ضروری است. در سال ۱۴۰۱، بار مالی بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان برآورد شد که در ۱۴۰۲ افزایش می یابد، در حالی که تنها ۱۰ هزار میلیارد تومان در بودجه پیش بینی شده و بقیه از طریق تهاتر (نفت خام، سهام) تأمین می شود، اما سازمان تأمین اجتماعی ظرفیت تهاتر نفت را ندارد. بهره برداری از ظرفیت قانون بودجه برای جلوگیری از بار مالی اضافی بر دولت الزامی است. (اعظم احمدیان، ۱۴۰۴)

کاهش حجم نقدینگی موجود: فروش اموال مازاد بانک ها با استفاده از اختیارات هیئت مولدسازی دارایی ها،  
و تسریع وصول مطالبات غیر جاری (به ویژه کلان) از طریق سازوکارهای قضایی سریع ( خسروی و  
همکاران، ۱۴۰۲ )

تغییر لنگر اسمی: تغییر لنگر اسمی برای مدیریت و کنترل تورم یک پروژه زمان بر و بلندمدت است که با  
اقدامات زیر قابل پیگیری بوده و مستلزم افزایش اقتدار و اعتبار بانک مرکزی است  
اجرای واقعی نظام ارزی شناور مدیریت شده

افزایش شفافیت در تصمیمات و مصوبات برای تأثیر بر افکار عمومی  
انتشار مداوم آمار، تحلیل و پیش بینی های دقیق از مسیر متغیرهای کلان اقتصادی  
خودداری از بیان اظهارات با احتمال تحقق اندک برای حفظ حداکثری اعتبار

انتخاب درست نرخ ارز: لنگر انتظارات از طریق هدف گیری نرخ  
بانک مرکزی می تواند پس از تحلیل، نرخ متوسط بازار مبادله و نرخ غیررسمی (مانند نرخ آزاد) را هدف  
قرار دهد تا انتظارات تورمی مهار شود. همزمان، دامنه نوسان مناسب برای نرخ ارز تعریف و اعلام عمومی  
شود. این اقدام، با شفافیت و اعلام مسیر نرخ به عموم، عدم اطمینان را کاهش داده و انتظارات را لنگر  
می زند .

( خسروی و همکاران 140۲ )

عدم استفاده از قیمت گذاری دولتی به عنوان استراتژی مهار تورم :

قیمت گذاری دولتی بر نهاده ها و ستانده ها در صنایع مانند خودروسازی، لوازم خانگی و معدنی، بدون تعدیل به موقع، جریان نقدی بنگاه ها را مختل کرده و آن ها را به استقراض از بانک ها وابسته می سازد؛ این امر نقدینگی را پایدار می کند. همچنین، تعدیل ناهمگون و تأخیری قیمت ها، اختلاف قیمتی و تغییر قیمت های نسبی ایجاد کرده، تخصیص منابع را مختل و تولید را کاهش می دهد. سیاست گذار نباید از قیمت گذاری برای مهار تورم استفاده کند، زیرا نتایج معکوس دارد. (مرتضی عبداللهی و همکاران، ۱۴۰۲)

### نتیجه گیری

در این مقاله به دنبال شناخت بیشتر علت، تبعات و کنترل تورم بودیم.

این پدیده، عاملی است که در سال های اخیر فشار اقتصادی قابل توجهی را بر جامعه ایران تحمیل کرده است.

برخلاف مرادی افشار و همکاران (۱۴۰۲)، داده های ۱۴۰۴ نشون می دهد اقتصاد سایه نتیجه نقدینگی بی مهار است و استقلال بانک مرکزی تورم را کنترل میکند .

درمقابل خسروی و همکاران (۱۴۰۳-۱۴۰۲) که راهکارهای عمومی ارائه داده، مقاله حاضر با تمرکز بر اقتصاد سایه، چسبندگی قیمت ها و ابزارهای عملی، راه حل های ساختاری واقعی برای خروج از تورم پیشنهاد می نماید.

تورم مداوم باعث شده است که قدرت خرید خانواده ها کم بشود، طبقه متوسط جامعه تحت فشار شدید قرار بگیرد. زمانی که ارزش پول ملی همواره کم می شود، مردم برای حفظ ارزش پس اندازهایشان ناچارند به سمت بازارهایی مثل ارز، طلا، مسکن، خودرو بروند و سرمایه ای که می توانست تو تولید، اشتغال و کارهای سازنده استفاده شود، به جای آن درگیر سوداگری و بازی با قیمت دارایی ها می شود. نتیجه اش هم

ان است که تورم بالا می ماند، رشد اقتصادی جان نمی گیرد و احساس بی ثباتی و ناامیدی تو جامعه بیشتر می شود .

شکستن چرخه تورم در ایران، نه با وعده های توخالی، بلکه با تغییرات ساختاری سخت ممکن است. مهار نقدینگی، قطع پیوند بودجه با چاپ پول، استقلال بانک مرکزی و ایجاد چتر حمایتی برای اقشار ضعیف، مسیرهای کلیدی هستند. بدون بازسازی اعتماد عمومی و اراده واقعی برای اصلاح، تورم همچنان تهدیدی جدی برای ثبات اقتصادی و اجتماعی باقی می ماند.

## منابع

<http://noo.rs/vg0LU> (احمدیان، اعظم ، اثر تورم و کسری بودجه بر رشد اقتصادی، دوره چهارم، ۱۴۰۴)

(مرادی افشار، پروین، عزیزی، وحید، بهرامی نرانی، فرهاد، تاثیر اقتصاد سایه، ثبات سیاسی بر تورم ایران، پاییز و زمستان )

<http://noo.rs/sKIO0> (۱۴۰۴)

(قربان نژاد، مجتبی، ارمن، سید عزیز، کفیلی، وحید ،نگاهی دوباره به تورم در ایران ،فصلنامه مطالعات اقتصادی ،سال ششم

<https://share.google/zcpdY8vtVtZog7idk> تابستان ۱۳۹۵)

(عبداللهی ،مرتضی، داودی ،پرویز، صمصامی، حسین، بررسی تورم در اقتصاد ایران ، راهبرد اقتصادی ،سال سیزدهم ،

<https://ensani.ir/file/download/article/1746245262-6815968e75499-10259-1403-15.pdf> ( شماره سوم ،پاییز ۱۴۰۳ )



(خسروی، میثم ، جمهور،محمد،دارابی،مهدی،عوامل ایجاد تورم و راهکار های مهار ،اذر ۱۴۰۳)

(<https://share.google/yYZZJm2bXOBYBm1hc>)

(خسروی، میثم ، جمهور،محمد،دارابی،مهدی،راهکار های کوتاه مدت و بلند مدت مهارم تورم،اردیبهشت

(۱۴۰۲ <https://www.sid.ir/paper/1065743/fa>)

Aras, S., & Lisboa, P. J. G. (2022). Explainable inflation forecasts by machine learning models. Expert Systems with Applications, 207, 117982.

<https://doi.org/10.1016/j.eswa.2022.117982>

Balounejad Nouri, R., Shahidi, A., & Saadatmehr, M. (2024). Non-Linear

Relationship between Exchange Rate and Inflation Rate in Iran: A Nonparametric

Quantile-on-Quantile Approach. Journal of Econometric Modelling, 9(1), 83-

112. (In Persian).

Beckmann, J., Czudaj, R.L., & Arora, V. (2020). The Relationship between

Oil Prices and Exchange Rates: Revisiting Theory and Evidence. Energy

Economics, 88, 1–62.